گزارش

دوحه:

تنها یک بازیگر در منطقه وجود دارد که بر تشدید تنش تأکید می‌کند

وزارت خارجه قطر حمله اسرائیل به ایران را اقدامی نسنجیده توصیف کرد و توقف این حملات را خواستار شد.

به گزارش ایسنا، «ماجد الانصاری»، سخنگوی وزارت خارجه قطر، روز سه‌شنبه ضمن هشدار درباره هدف قراردادن بی‌ملاحظه تأسیسات انرژی ایران، اظهار کرد: امنیت منطقه نمی‌تواند بحران‌ها و تنش بیشتری را تحمل کند. الانصاری حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی به ایران را اقدامی نسنجیده خواند و گفت: این اقدام نسنجیده تأثیراتی بر قیمت نفت خواهد داشت.

به گزارش شبکه خبری «الجزیره»، سخنگوی وزارت خارجه قطر در ادامه بار دیگر تأکید کرد: هرگونه حمله به تأسیسات انرژی ایران تأثیراتی بر قیمت‌های نفت و گاز خواهد داشت.

او با اشاره به اینکه نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر بر لزوم کاهش شدت تنش در منطقه تأکید دارند، گفت: با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه‌های تقویت امنیت تأسیسات هسته‌ای را بررسی کردیم.

الانصاری افزود: قطر رایزنی‌های متعددی را انجام داد و با تکرار موضع خود، توقف حملات به ایران و دور نگه‌داشتن منطقه از پیامدهای بیشتر این تنش را خواستار شد. سخنگوی وزارت خارجه قطر در ادامه گفت: کشورهای منطقه در حمایت از تلاش‌ها برای رسیدن به توافقی میان واشنگتن و تهران مشارکت داشتند.

او ادامه داد: تنها یک بازیگر در منطقه وجود دارد که بر تشدید تنش تأکید دارد، درحالی‌که همه در تلاش برای یافتن راه‌حل‌هایی هستند.

تناقض ارزیابی آمریکا با ادعاهای رژیم صهیونیستی درباره برنامه هسته‌ای ایران

فاصله ایران تا ساخت بمب هسته‌ای حداقل ۳ سال است

چهار منبع آمریکایی به سی‌ان‌ان گفته‌اند ایران نه قصد ساخت سلاح هسته‌ای دارد و نه در آستانه تولید آن است، بلکه حداقل سه سال با ساخت یک بمب اتمی فاصله دارد؛ ارزیابی‌ای که ادعای مقامات رژیم اشغالگر درباره خطر فوری برنامه هسته‌ای ایران را به چالش می‌کشد.

به گزارش ایسنا، هم‌زمان با آغاز حملات اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران، مقامات تل‌آویو ادعا کردند که تهران به‌سرعت به نقطه‌ای «برگشت‌ناپذیر» در برنامه هسته‌ای خود نزدیک می‌شود و این حملات برای جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتمی ضروری است. اما برآوردهای نهادهای اطلاعاتی آمریکا به‌عنوان حامی نظامی، سیاسی و مالی اصلی این رژیم، تصویر متفاوتی ارائه می‌دهند.

چهار منبع آگاه از ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا به سی‌ان‌ان گفته‌اند که ایران نه‌تنها به صورت فعال در پی ساخت سلاح هسته‌ای نبوده، بلکه تا رسیدن به نقطه‌ای که بتواند یک بمب اتمی قابل استفاده و قابل حمل به هدفی دلخواه تولید کند، سه سال فاصله دارد.

اکنون و پس از چند روز حملات گسترده هوایی این رژیم، مقامات اطلاعاتی آمریکا معتقدند این حملات حداکثر تنها چند ماه برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر انداخته‌اند. به گفته یک مقام آمریکایی، اگرچه تأسیسات غنی‌سازی نطنز -که سانتریفیوژها در آن مستقر هستند- شاید تا حدی آسیب دیده باشد، اما سایت دوم یعنی فردو، که به طور درخورتوجهی استحکام دفاعی دارد، دست‌نخورده باقی مانده است. کارشناسان دفاعی معتقدند رژیم اشغالگر توانایی آسیب‌زدن به سایت فردو را ندارد. «برت مک‌گورک»، دیپلمات ارشد سابق در دولت‌های ترامپ و بایدن و تحلیلگر سی‌ان‌ان، گفت که توقف این تسلیحات از عهده حملات رژیم صهیونیستی خارج است و توقف آن با راه‌های دیگری ممکن خواهد بود، ازجمله با توافق سیاسی. درحالی‌که نهادهای اطلاعاتی غیرنظامی آمریکا بر این باورند که ایران در مسیر ساخت سلاح هسته‌ای شتاب نگرفته، ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) رویکرد متفاوتی دارد. به گفته منابع آگاه، سنتکام پیش از حملات رژیم اشغالگر به ایران، ارزیابی بدبینانه‌تری ارائه کرده و احتمال دستیابی سریع‌تر ایران به سلاح هسته‌ای در صورت آغاز حرکت نهایی را مطرح کرده بود. در هفته‌های اخیر نیز برخی فرماندهان نظامی آمریکا ازجمله «مایکل کوریلا»، فرمانده سنتکام، درخواست منابع بیشتر برای حمایت از صهیونیست‌ها را مطرح کرده‌اند. با این حال، تأکید شده که این درخواست‌ها صرفا در حوزه دفاعی است و شامل کمک به حملات تهاجمی نمی‌شود.

به گزارش سی‌ان‌ان، درحالی‌که واشنگتن و تل‌آویو اطلاعات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را به طور گسترده با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند، اما همواره در تفسیر این اطلاعات اختلاف نظر دارند. «تولسی گابارد»، مدیر اطلاعات ملی دولت ترامپ، در مارس گذشته در کنگره شهادت داد که جامعه اطلاعاتی آمریکا همچنان باور دارد ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. اما «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر، روز یکشنبه در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس‌نیوز، ادعای بی‌اساسی را مطرح کرد و گفت اطلاعاتی در اختیار دارد که ثابت می‌کند ایران در حال اجرای «برنامه‌ای مخفی برای تسلیحاتی‌کردن اورانیوم» بوده و با سرعت زیادی به سمت ساخت سلاح حرکت می‌کرده است.

استقبال از بیانیه مشترک کشورهای عربی-اسلامی در محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از بیانیه مشترک وزرای خارجه ۲۱ کشور عربی و اسلامی به ابتکار جمهوری عربی مصر در محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی علیه تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقض فاحش حقوق بین‌الملل و اصول و اهداف منشور ملل متحد از سوی آن رژیم، استقبال کرد. بقائی با قدردانی از ابتکار جمهوری عربی مصر و همراهی کشورهای عربی و اسلامی با این ابتکار افزود: محتوای این بیانیه، بیانگر درک مشترک کشورهای منطقه و نگرانی جدی آنها درباره تجاوزگری رژیم صهیونیستی علیه یک کشور منطقه و عزم دسته‌جمعی کشورهای اسلامی-عربی برای وادارکردن شورای امنیت سازمان ملل متحد به عمل به وظایفش برای توقف تجاوز است. سخنگوی وزارت امور خارجه، با اشاره به تأکید بیانیه کشورهای عربی-اسلامی بر منع حمله به تأسیسات هسته‌ای مشمول پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابق با قطع‌نامه‌های مربوطه آژانس و شورای امنیت، اقدام رژیم صهیونیستی در تعرض نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران را نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل دانست و بر مطالبه مستمر ایران و کشورهای منطقه برای واکنش قاطع شورای حکام و مدیر کل آژانس در محکومیت این اقدام تأکید کرد. او همچنین با یادآوری این موضوع که جمهوری اسلامی ایران و مصر، از بانیان اصلی ابتکار عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی هستند، بر اهمیت پیگیری جدی درخواست بیانیه فوق مبنی بر ضرورت اقدام جهانی برای کمک به تحقق این ابتکار، که تنها مانع آن سلاح‌های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی است، تأکید کرد.

لزوم بازنگری در تحلیل‌های استراتژیک

عادی‌سازی یا پذیرش واقعیت جنگی؟

داوود حشمتی: آیا وضعیت جنگی است، یا وضعیت باید جنگی تلقی شود؟ این اختلاف اساسی در مواجهه جامعه با پدیده اخیری است که ایران درگیر آن شده است. ارزیابی اولیه تا پیش از این بر دو پایه استوار بود؛ به عبارت روشن‌تر ایران دو منظر تحلیلی ثابت در مورد اسرائیل داشت که این تحلیل‌ها بعد از وقایع ۷ اکتبر دگرگون شده و حالا باید با نگاهی جدیدتر به اسرائیل نگاه کرد. این دو پایه تحلیلی عبارت بودند از: ۱. رژیم اشغالگر نیازمند این است که اوضاع را در سرزمین‌های اشغالی به حالتی کاملا امن و آرام نگه دارد تا مهاجرانی را که در سرزمین‌های غصب‌شده حضور دارند، حفظ کرده و مانع مهاجرت آنها شود. ۲. رژیم توان جنگ طولانی‌مدت ندارد و همواره به دنبال جنگ‌های کوتاه‌مدت است تا با ضربات اولیه سخت، پیروزی را به دست بیاورد و در صورت مقاومت می‌توان آنها را وادار به تسلیم کرد. این دو تحلیل درواقع پایه‌های اصلی تصمیم‌گیری در مواجهه با اسرائیل بود. از سوی دیگر تلاش ایران همواره بر این اساس استوار بود که کشور بعد از دهه ۷۰ به عنوان کشوری امن و به دور از تعرض و فضای جنگی تلقی شود. در این استراتژی نیز هر نوع تصویرسازی از خطرهای احتمالی، سیاه‌نمایی و خالی‌کردن دل مردم تلقی شده و همیشه به‌عنوان یک سیاست دنبال می‌شد: ایران کشوری امن است حتی اگر چند زدوخورد پیش بیاید هم نباید به آن چندان اهمیتی داد. به عبارت دیگر، تلاش می‌شد تا احساس آرامش و اطمینان دوری از جنگ بعد از دهه اول انقلاب در طول سه دهه گذشته تعمیم داده شود، اما به نظر می‌رسد امروز باید در مورد هر سه تحلیل بازنگری جدی داشت و متناسب با وضعیت روز تصمیم‌گیری کرد.

آغاز نزاع و روند نزاع

از هفته آخر فروردین ۱۴۰۳، تنش‌هایی میان ایران و اسرائیل با حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق وارد مرحله‌ای بی‌سابقه شد. این حمله که به کشته‌شدن ۱۶ نفر، از جمله دو ژنرال ارشد ایرانی منجر شد، نقطه عطفی در روابط پرتنش دو کشور بود. ایران در پاسخ، ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ عملیات «وعده صادق» را اجرا کرد و بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد به سوی اهداف نظامی در سرزمین‌های اشغالی شلیک کرد. این اقدام، اولین حمله مستقیم ایران به خاک اسرائیل بود و به‌عنوان تغییر راهبردی در سیاست خارجی ایران به سمت پاسخ‌دهی آشکار و قاطع ارزیابی شد. اسرائیل نیز در ۳۱ فروردین با هدف قراردادن سامانه پدافندی نزدیک فرودگاه اصفهان، چرخه‌ای از حملات متقابل را کلید زد. این روند با فرازونشیب‌هایی تا امروز ادامه یافته و در مقاطعی مانند ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس، در تهران در ۹ مرداد ۱۴۰۳ و عملیات «وعده صادق ۲» در مهر همان سال شدت گرفت. اوج این درگیری‌ها اما ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ با عملیات گسترده اسرائیل و ترور دانشمندان و فرماندهان سپاه رخ داد که طی آن تأسیسات هسته‌ای، پایگاه‌های نظامی و حتی مناطق مسکونی در ایران هدف حملات سنگین قرار گرفتند.

تغییر در سیاست اسرائیل

این سلسله وقایع، تصویری پیچیده از تقابل دو کشور ارائه می‌دهد؛ در یک سو، اسرائیل پس از حمله ۷ اکتبر ۱۴۰۲ حماس، سیاست راهبردی خود را به طور کامل بازتعریف کرده است. پیش از این، دولت‌های اسرائیلی تلاش می‌کردند سرزمین‌های اشغالی را به عنوان منطقه‌ای امن و باثبات معرفی کنند تا از مهاجرت معکوس جمعیت و فرار سرمایه جلوگیری شود. این رویکرد به ویژه برای جذب مهاجران یهودی و حفظ اعتماد شهروندان ضروری بود. اما پس از ۷ اکتبر، بنیامین نتانیاهو و کابینه‌اش چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در این سیاست اتخاذ کردند. اکنون اسرائیل به‌عمد شرایط جنگی را بازتولید می‌کند. این سیاست در عدم پیشرفت مذاکرات آتش‌بس در غزه، تشدید درگیری‌ها با حزب‌الله لبنان، حملات به یمن و هدف قراردادن منافع ایران در منطقه و داخل خاک کشورمان مشهود است. نتانیاهو حتی به قیمت اعتراضات داخلی و درگیرشدن با خانواده گروگان‌های نزد حماس، تلاش می‌کند همچنان وضعیت داخل اسرائیل را در حالتی «جنگی» حفظ کند. او حالا هیچ ابایی از این ندارد که هر شب یا روزانه چند نوبت ساکنان سرزمین اشغالی را به پناهگاه‌ها بفرستد. برای این کار دلایل سیاست داخلی خودش را هم دارد. او که در آستانه سقوط قرار داشت، با عملیات ۷ اکتبر حماس، تهدید را به فرصت تبدیل کرد و با فروبردن اسرائیل به شرایط جنگی و آمادگی برای جنگی طولانی‌مدت، در حال بهره‌برداری از فرصت به‌دست‌آمده است تا نیروهای مقاومت در منطقه را حذف کند.

سیاست آرامش دائم در ایران

در سوی دیگر، ایران رویکردی کاملا متضاد را در پیش گرفته است. با وجود حملات پیاپی اسرائیل، از جمله حمله بی‌سابقه به ساختمان مرکزی صداوسیما در تهران که به آتش‌سوزی گسترده و پخش تصاویر زنده از این واقعه در سراسر کشور منجر شد، هنوز مقامات اصراری بر این ندارند که وضعیت را «جنگی» اعلام کنند. حتی با وجود آنکه رهبری در همان روز اول از لفظ جنگ و آغاز جنگ سخن به میان آوردند، با این حال، آنچه در رسانه‌های رسمی مشاهده می‌شود، تبلیغ وضعیت جنگی نیست. اما به نظر می‌رسد وضعیت بعد از حمله به ساختمان صداوسیما تغییر کرده است.

حتی در شرایط جنگی معمولا به دلیل نقش رسانه‌ها در ارتباط با توده‌های مردم، رسانه‌ها مورد احترام طرفین قرار می‌گیرند، اما این حمله نشانه‌ای آشکار از تشدید اقدامات خصمانه اسرائیل بود. با این حال، هنوز شاهد آن نیستیم که وضعیت به طور روشن یک وضعیت جنگی در داخل ایران تلقی شود.

این سیاست در حالی دنبال می‌شود که جامعه ایران، به‌ویژه پس از حملات اخیر، شرایط را عادی احساس نمی‌کند. تصاویر آتش‌سوزی صداوسیما، قطع‌شدن گاه و بیگاه اینترنت در شهرهای بزرگ و شایعات درباره وضعیت زیرساخت‌های حیاتی، حس ناامنی را در میان مردم تقویت کرده است.

عادی‌سازی یا شرایط جنگی؟

این دو رویکرد متضاد، پرسشی کلیدی را پیش‌روی تصمیم‌گیران ایرانی قرار داده است: آیا باید به سیاست عادی‌سازی ادامه داد یا واقعیت شرایط جنگی را پذیرفت؟ پاسخ به این پرسش، نه‌تنها بر مدیریت منابع و سیاست خارجی، بلکه بر کل ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور اثر خواهد گذاشت. در حال حاضر، نشانه‌هایی از عادی‌سازی در مدیریت روزمره کشور دیده می‌شود. ارزاق به صورت عادی در حال فروش است. برای سوخت‌رسانی اگرچه محدودیت ۲۰ لیتری اعمال می‌کنند، اما پمپ‌بنزین‌ها همچنان بدون سهمیه‌بندی سختگیرانه در حال سرویس‌دهی به شهروندان هستند.

عرضه کالاهای اساسی نیز، با وجود برخی کمبودهای مقطعی، تحت کنترل است. اینها همه حکایت از آن دارد که سیستم تصمیم ندارد وضعیت را جنگی اعلام کند. به طور معمول در شرایط جنگی، سهمیه‌بندی سوخت و کالاهای اساسی را شاهد هستیم. همچنین وضعیت اجتماعی تغییر چشمگیری خواهد کرد و شاهد افزایش نظارت‌های امنیتی، و تغییر در الگوی توزیع منابع خواهیم بود، اما تاکنون سیستم این اقدامات را به صورت محدود یا غیررسمی انجام داده است.

از همین رو تصمیم درباره پذیرش یا رد شرایط جنگی، یک تصمیم کلان کلیدی است. پذیرش شرایط جنگی به معنای بازتعریف اولویت‌ها، از جمله تخصیص منابع به بخش‌های نظامی، اعمال محدودیت‌های اقتصادی و آماده‌سازی جامعه برای مواجهه با تهدیدات خارجی است. این رویکرد از یک سو می‌تواند به تقویت نیروی نظامی منجر شود، اما در عین حال جامعه را دستخوش تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، جامعه امروز انتظار یک شگفتی را می‌کشد که طی آن همه چیز به حالت آرام گذشته بازگردد. در این فاصله نگرانی این است که با کاهش توانمندی دولتی برای تأمین مایحتاج عمومی روبه‌رو شویم و خطر افزایش نارضایتی عمومی و فشار اقتصادی را به همراه داشته باشد.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اگرچه پذیرش شرایط جنگی برای کشور ممکن است سخت باشد، اما در صورتی که ارزیابی این است که این جنگ ادامه‌دار خواهد بود، کشور باید منابع و امکانات محدود خود را مدیریت کند.

البته از سوی دیگر، پیامدهای بین‌المللی این تصمیم نیز قابل تأمل است. پذیرش شرایط جنگی ممکن است به تشدید تحریم‌ها و انزوای دیپلماتیک منجر شود، در حالی که عادی‌سازی می‌تواند فضایی برای مذاکره و کاهش تنش فراهم کند. اما تداوم حملات اسرائیل، به‌ویژه با حمایت ایالات متحده، یا ورود ترامپ به جنگ، نشان می‌دهد که عادی‌سازی به‌تنهایی نمی‌تواند بازدارندگی لازم را ایجاد کند. هم‌زمان، باید به این نکته توجه داشت که اسرائیل با حفظ شرایط جنگی، به دنبال کشاندن پای ایران و آمریکا به یک جنگ فراگیر است. همچنان که اخیرا تریتا پارسی از مشاوران سابق اوباما در آمریکا به گروگان گرفتن آمریکایی‌ها در اسرائیل اشاره کرده و معتقد است: «نتانیاهو، اجازه خروج آمریکایی-اسرائیلی‌ها را از اسرائیل نمی‌دهد و عملا آنها گروگان گرفته. هدف نتانیاهو این است که مردم آمریکا در حملات ایران به اسرائیل بمیرند تا آمریکا به اجبار به جنگ با ایران وارد شود».

ایران در برابر دو مسیر استراتژیک قرار دارد: ادامه عادی‌سازی، یا اعلام شرایط جنگی. اتخاذ هرکدام از این دو سیاست، نقشه راه جدیدی پیش‌روی ما قرار می‌دهد که الزامات خاص خودش را دارد.

از سوی دیگر این تصمیم باید متناسب با درک سیاست اخیر اسرائیل انتخاب شود. سیاستی که طی آن بپذیریم نتانیاهو از طولانی‌شدن جنگ و ایجاد ترس در سرزمین‌های اشغالی، نه‌تنها واهمه‌ای ندارد، بلکه آن را به موتور محرک جنگ تبدیل کرده است.

صف‌آرایی سناتورها علیه سیاست جنگ‌طلبانه ترامپ:

جدال کاخ سفید با کنگره!

شرق: در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، با ادبیاتی تهدیدآمیز ایرانیان را مخاطب قرار داد و نسبت به احتمال گسترش درگیری‌ها هشدار داد، فضای سیاسی در واشنگتن دی‌سی به‌شدت ملتهب شده است؛ آن‌هم نه در حمایت از موضع او، بلکه در اعتراض به تمایلات آشکارش برای ورود مستقیم به بحران. ترامپ روز گذشته بار دیگر موضع خصمانه خود علیه ایران را تکرار کرد و در اظهاراتی بی‌سابقه، از ساکنان تهران خواست فورا این شهر را تخلیه کنند. او با متهم‌کردن ایران به فرصت‌سوزی در مذاکرات گذشته، مدعی شد تهران باید پیش از حملات اخیر اسرائیل، وارد گفت‌وگوهای جدی با واشنگتن می‌شد. هم‌زمان در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال»، او رئیس‌جمهور فرانسه را نیز بابت طرح موضوع آتش‌بس بین ایران و اسرائیل مورد تمسخر قرار داد و گفت قصد بازگشت به واشنگتن ربطی به تلاش‌های صلح ندارد. اما لفاظی‌های تند ترامپ نه‌تنها نتوانسته اجماعی داخل آمریکا پدید آورد، بلکه موجی از مخالفت‌های جدی را از سوی نخبگان کنگره برانگیخته است.

کریس مورفی، سناتور برجسته دموکرات، تصریح کرد: «هیچ تهدید فوری از سوی ایران آمریکا را هدف قرار نداده است. ترامپ اختیار ورود به جنگ ندارد مگر با مجوز صریح کنگره». او هشدار داد اکثریت کنگره با چنین اقدامی مخالفت خواهند کرد. این موضع فقط به حزب دموکرات محدود نمی‌شود. توماس ماسی، نماینده جمهوری‌خواه، نیز بر این نکته تأکید کرد که «این جنگ ما نیست» و وعده داد قطع‌نامه‌ای دوحزبی را برای ممنوع‌کردن هرگونه دخالت ایالات متحده پیشنهاد خواهد داد. رشیده طلیب، نماینده کنگره، با لحنی قاطعانه گفت: «ملت آمریکا فریب این بازی‌ها را نمی‌خورند. ورود به جنگ بدون رأی کنگره غیرقابل پذیرش است». سناتور تیم کین نیز ضمن یادآوری هزینه‌های دو دهه جنگ‌های خاورمیانه، هشدار داد ورود مجدد آمریکا به صحنه نظامی «بی‌ملاحظه» خواهد بود و باید از سوی سنا مسدود شود.

در همین راستا، برنی سندرز با ارائه لایحه‌ای تلاش دارد از هرگونه جنگ غیرقانونی با ایران جلوگیری کند. او یادآور شد که تکرار فاجعه‌بار تجربیات گذشته، میلیاردها دلار هزینه و جان‌های بی‌شماری را به خطر خواهد انداخت. و در نهایت، رند پال این چرخش نگران‌کننده در سیاست خارجی آمریکا را به‌روشنی زیر سؤال برد و تأکید کرد: «مداخله‌گری بی‌پایان در خاورمیانه امنیت ما را تضمین نکرده است. اکنون وقت دیپلماسی است، نه جنگی تازه». این مخالفت‌های پررنگ از جناح‌های مختلف سیاسی در آمریکا، نشان‌دهنده آگاهی فزاینده قانون‌گذاران این کشور نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار هرگونه مداخله نظامی تازه در منطقه است؛ به‌ویژه در شرایطی که دولت ترامپ، همچون گذشته، سعی دارد با پیش‌دستی در تهدید و تحریف واقعیت، افکار عمومی را با خود همراه سازد.

در مجموع، آنچه در حال شکل‌گیری است صرفا یک اختلاف حزبی یا اصطکاک سیاسی میان کنگره و کاخ سفید نیست، بلکه نشانه‌ای جدی از شکاف بنیادین درک راهبردی میان نخبگان سیاسی واشنگتن در قبال مسئله ایران و منطقه است. در حالی که ترامپ با ادبیاتی تند و تهدیدآمیز، از آمادگی برای ورود مستقیم به تقابل نظامی سخن می‌گوید، نمایندگان دموکرات و جمهوری‌خواه در کنگره به‌گونه‌ای کم‌سابقه، جبهه‌ای مشترک در برابر او شکل داده‌اند؛ جبهه‌ای که مبنایش نه تعارفات حزبی، بلکه هشدار نسبت به پیامدهای پرهزینه، ناپایدار و غیرقانونی یک جنگ جدید در خاورمیانه است.

تأکید مکرر بر ضرورت اخذ مجوز کنگره برای هرگونه اقدام نظامی، یادآوری خسارت‌های جنگ‌های دو دهه گذشته و تصریح بر ناتوانی ترامپ در توجیه تهدید فوری علیه آمریکا، همگی نمایانگر آن است که سیاست‌های مبتنی بر تهور شخصی دیگر مشروعیت سابق را در واشنگتن ندارند.

چنانچه این روند ادامه یابد، ترامپ نه‌تنها با سد قانونی روبه‌رو خواهد شد، بلکه در صحنه سیاست داخلی آمریکا نیز با انزوا مواجه خواهد بود؛ انزوایی که ممکن است او را ناگزیر به عقب‌نشینی یا تجدیدنظر در محاسبات راهبردی‌اش کند. این فصل تازه از تقابل در واشنگتن، شاید آزمونی تعیین‌کننده برای بقای نظام نظارت و تعادل در ساختار سیاسی آمریکاست؛ نظامی که حالا باید نشان دهد آیا می‌تواند جلوی لغزش‌های فاجعه‌بار تصمیم‌گیران را بگیرد، پیش از آنکه خیلی دیر شود.

خبر

پزشکیان: با تداوم جنایت اسرائیل و حمایت غربی‌ها، منطقه هیچ‌گاه روی آرامش را نخواهد دید

رئیس‌جمهور تداوم جنایت رژیم صهیونیستی با حمایت کشورهای غربی را موجب فراگیرشدن بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه عنوان کرد و افزود: رژیم صهیونیستی همه قواعد و چارچوب‌های بین‌المللی را زیر پا گذاشته و با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ مرتکب هر جنایتی می‌شود و در صورت تداوم چنین رویه‌ای منطقه شاید هیچ‌گاه روی صلح و آرامش پایدار را نبیند.

مسعود پزشکیان ظهر دیروز (سه‌شنبه) در گفت‌وگوی تلفنی با شیخ محمد بن زاید، رئیس دولت امارات متحده عربی، با بیان اینکه ما، شما و دیگر کشورها و ملت‌های همسایه را برادران خود می‌دانیم، اظهار کرد: بنده از ابتدا به دنبال وحدت و انسجام در داخل ایران و تعامل و همکاری با کشورهای دیگر بودم، اما رژیم صهیونیستی از همان روز نخست با ترور شهید هنیه سعی در کارشکنی و اخلال در مسیر حرکت ما داشته است.

رئیس‌جمهور افزود: درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای حل‌وفصل و رسیدن به تفاهم از طریق گفت‌وگو و مذاکره بود، رژیم صهیونیستی یک بار دیگر با تهاجم گسترده و کشتار مردم عادی و غیرنظامیان و حمله به اماکن غیرنظامی علاوه بر ارتکاب جنایت، در گفت‌وگو و مذاکره نیز کارشکنی و اخلال ایجاد کرد.

پزشکیان تصریح کرد: رژیم صهیونیستی همه قواعد و چارچوب‌های بین‌المللی را زیر پا گذاشته و با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ مرتکب هر جنایتی می‌شود و درصورت تداوم چنین رویه‌ای منطقه شاید هیچ‌گاه روی صلح و آرامش پایدار را نبیند.

رئیس دولت امارات متحده عربی نیز در این گفت‌وگو با ابراز همبستگی با دولت و ملت ایران و با بیان اینکه دل‌های ما با شماست و از خداوند می‌خواهیم که حافظ شما و مردم ایران باشد، به منافع و اشتراکات عمیق بین دو کشور اشاره و خاطرنشان کرد: ما تماس‌ها و رایزنی‌های گسترده‌ای را برای کاهش تنش‌ها و بازگشت ثبات و امنیت به منطقه آغاز کرده‌ایم و امیدوارم آنچه در نهایت حاصل می‌شود، برای برادرانمان در ایران مایه خیر و برکت باشد.

بقائی در پاسخ به کالاس:

لطفا توجیه‌گر تجاوز نشوید!

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: خانم کایا کالاس، لطفا توجیه‌گر تجاوز نشوید! اسماعیل بقائی در پیامی در شبکه ایکس نوشت: خانم کایا کالاس، لطفا توجیه‌گر تجاوز نشوید! چگونه می‌توانید درباره برنامه صلح‌آمیز ایران، که تحت سخت‌گیرانه‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد، ابراز نگرانی کنید و زرادخانه عظیم سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل را نادیده بگیرید؟!

ایران هرگز به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، برخلافِ طرف متجاوزی که تنها مانع تحقق «خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای» است (که ایران از سال ۱۹۷۴ آن را مطرح کرده است). چگونه می‌توانید از «کاهش تنش» سخن بگویید، بدون آنکه متجاوز را محکوم کرده و تجاوز و جنایات جنگی آن را متوقف کنید؟!

کایا کالاس، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نوشت: «اتحادیه اروپا همه تلاش دیپلماتیک خود را به کار می‌گیرد تا وضعیت پیش‌آمده از طریق دیپلماسی حل‌وفصل شود». او ادامه داد: «ما پس از شکست مذاکرات بین واشنگتن و ایران، در حال مذاکره برای کاهش تنش‌ها هستیم».